

## تبیین روش‌های تضعیف انگیزه در انجام رفتار نامطلوب از منظر قرآن و احادیث\*

علیرضا شیرزاد\*\*  
محمد کاویانی\*\*\*

### چکیده

این پژوهش با هدف کشف روش‌هایی صورت گرفته است که خداوند متعال و اهل بیت (ع) به منظور ترک متعلقات نواهی دینی توسط مخاطبان خویش، از آنها بهره می‌بردند. تحلیل هریک از این شیوه‌ها می‌تواند الگویی را ارائه نموده تا بتوان از شیوه‌های ذکر شده در محیط‌های مختلف و در جهت تغییر و حذف انواع رفتارهای نامطلوب استفاده نمود. به همین منظور با روش توصیفی - تحلیلی، گزاره‌های موجود در منابع اسلامی که بر حذف یک رفتار دلالت داشته مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت، پنج شیوه تضعیف انگیزه استنباط گردیده است. یافته‌های پژوهش نشان داده است که در منابع اسلامی، روش‌هایی مانند «مقایسه»، «حیاء»، «تصور رفتار نامطلوب با خود»، «عاقبت نگری» و «تصور آینده حسرت‌آمیز» به عنوان شیوه‌های تضعیف انگیزه رفتار نامطلوب بکار رفته‌اند که هریک از طریق مؤلفه «شناخت» به عنوان حلقه واسط، اثر انگیزشی خود را ایجاد و سپس تغییر رفتار را به دنبال خواهند داشت. همچنین با توجه به استفاده از روش‌های مختلف کاهنده انگیزش از جانب خداوند متعال می‌توان نتیجه گرفت که خداوندی که آگاه‌ترین اشخاص به خصائص روانی انسان‌هاست، از این شرایط روانشناختی در جهت پذیرش راحت‌تر مناهی دینی بهره برده و بر مبنای آنها، روش‌هایی متعددی نیز اتخاذ نمود.

**کلید واژه‌ها:** انگیزش، تضعیف، رفتار نامطلوب، شیوه، تربیت اخلاقی

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۲/۳۰

\*\* دانش آموخته حوزه علمیه قم دانشجوی دکتری قرآن و متون اسلامی دانشگاه معارف اسلامی قم

ashirzad125@gmail.com

\*\*\* دانشیار گروه روانشناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه [دانش آموخته حوزه علمیه قم - دکتری تخصصی روانشناسی]

## ۱. مقدمه

در حوزه تربیت اخلاقی با نگاه روانشناختی، یکی از کاربردی‌ترین مسائل، اصلاح یا حذف رفتار نامطلوب بوده که ریشه در انگیزش‌های انسان دارد و تا انگیزه انجام آن عمل نامطلوب در فرد وجود دارد توصیه‌های متعدد اخلاقی راه به جایی نمی‌برد به همین جهت کاربست شیوه‌هایی در جهت کاهش یا تضعیف انگیزه انجام چنین رفتارهایی از اهمیت بالایی برخوردار خواهد بود. البته تاکنون شیوه‌های مختلفی در علوم تربیتی و روانشناسی به منظور تغییر رفتار بیان شده است اما علاوه بر آن می‌توان به روش‌هایی اشاره نمود که خداوند متعال در قرآن و ائمه اطهار در سیره و اقوال خویش به منظور اصلاح رفتار مخاطبان خویش از آنها بهره برده‌اند که تبیین و بررسی این روش‌ها می‌تواند گامی مؤثر در جهت تولید علوم انسانی از متون دینی باشد.

البته هنگامی که هدف دستورات الهی و اهل بیت (ع)، روشن نمودن مسیر هدایت انسانها به سوی سعادت دانسته شود، و از سویی دیگر این مبنا پذیرفته شود که خالق انسان‌ها داناترین اشخاص به ویژگی‌ها و ابعاد روانی آدمی است، این انتظار خواهد رفت که حداقل بخشی از نواهی او در انجام معاصی با روش‌های انگیزشی همراه بوده تا با ورود به ناحیه انگیزشی مخاطب خویش، انگیزه انجام آن معصیت را در او تضعیف نماید به عنوان نمونه یکی از شناخته شده‌ترین این روش‌ها، بیان کیفی‌های اخروی در کنار نواهی پروردگار است که در بیان امام صادق (ع) می‌تواند سبب بی‌رغبتی در انجام بدی‌ها گردد (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۴۰۳)<sup>۱</sup> و یا مشاهده می‌شود که در سیر تحریم خمر در قرآن کریم، خداوند متعال، منافع و مضرات خمر را با یکدیگر

---

۱. نَصَبَ لَهُمْ عُقُوبَاتٍ فِي الْعَاجِلِ وَ عُقُوبَاتٍ فِي الْآجِلِ وَ مُتُوبَاتٍ فِي الْعَاجِلِ وَ مُتُوبَاتٍ فِي الْآجِلِ لِيُرْغَبَهُمْ بِذَلِكَ فِي الْخَيْرِ وَ يُرْهَدَهُمْ فِي الشَّرِّ

تبیین روش‌های تضعیف انگیزه در انجام رفتار نامطلوب از منظر قرآن و احادیث ۱۷۱

مقایسه نموده «قل فیهما اثم کبیر و منافع للناس» (بقره: ۲۱۹) که این امر می‌تواند باب تفکر را به روی مخاطب گشوده و در نهایت، تضعیف انگیزه او را در پی داشته باشد.

از سویی دیگر، یکی از مسائل مهم در حوزه‌های اخلاقی این است که در موارد متعددی، والدین در ارتباط با فرزندان خود و نیز مبلغان دین، مشاوران و مربیان در برخورد با مخاطبان و مراجعان خویش با چالش اساسی حذف و تغییر رفتارهای نامطلوب روبرو هستند که نمی‌تواند به دلیل عوامل خارج از مخاطب باشد بلکه هنوز انگیزه ترک آن رفتار در او ایجاد نشده و یا انگیزه‌های منفی و تمایلات درونی مانع کنارگذاشتن آن رفتار منفی است که لازم می‌نماید شیوه‌هایی به منظور تضعیف این انگیزه‌های منفی در نظر گرفته شده که البته علاوه بر روانشناسی معاصر، با استفاده از منابع اسلامی نیز می‌توان چنین شیوه‌هایی را نیز استخراج نموده که در صورت الگوسازی از آن شیوه‌ها بتوان در فضاها و رفتارهای مختلفی استفاده نمود. به همین جهت پژوهش حاضر به منظور استخراج این روش‌ها از متن قرآن و کتب حدیثی و نیز تبیین و بررسی هریک از این روش‌ها با توجه به دیدگاه‌های مفسرین قرآن و نیز برخی از نظریات روانشناسی معاصر نگاشته شده است.

## ۲. پیشینه تحقیق و وجه نوآوری

همچنانکه در کتبی مانند «قرآن و روانشناسی» اثر عثمان نجاتی، «روانشناسی در قرآن» اثر محمد کاویانی و نیز «انگیزش و هیجان» اثر محمد صادق شجاعی شاهد فصولی مجزا برای مبحث انگیزش از منظر اسلام هستیم، مقالات متعددی نیز تاکنون با رویکرد اسلامی در مورد انگیزش نگاشته شده است، مقاله ای نیز با عنوان «عوامل انگیزش در سیره پیامبر(ص)» توسط مصطفی آخوندی نگاشته شده که در

فصلنامه «حصون» به چاپ رسیده است. پژوهشگر در این نوشتار، تفاوت عمده مدیریت الهی و مدیریت غیر الهی را به نوع انگیزش مرتبط دانسته و رسول خدا(ص) نیز بیشترین نقش را برای انگیزش‌های معنوی قائل بود (آخوندی، ۱۳۹۱). «رویکردی جامع به مباحث انگیزش از دیدگاه قرآن» نام مقاله‌ای است از محمد کاویانی که در دو فصلنامه «مطالعات اسلام و روان‌شناسی» به چاپ رسیده است که در آن به مبانی و علل انگیزش و نیز مکانیزم آن در رفتار اشاره گردیده است (کاویانی، ۱۳۹۲). «نظریه انگیزش در اندیشه دینی» اثر ابوالقاسم بشیری است که در فصلنامه «روان‌شناسی و دین» به چاپ رسیده است. وی در این مقاله نیت، اراده، شوق، غرایز، شهوات (نیازها) و عقل را از مفاهیم اساسی انگیزش در متون دینی برشمرده است (ابوالقاسم بشیری، ۱۳۹۳).

لازم بذکر است آنچه که تاکنون با رویکرد اسلامی به مبحث انگیزش پرداخته شده است عموماً در حوزه نظریه‌های انگیزش، منابع انگیزش و کمی عوامل مرسوم انگیزشی همچون پاداش و تنبیه بوده است و به حوزه‌های کاربردی‌تر همچون روش‌های تضعیف انگیزه در اصلاح و حذف و رفتار نامطلوب در کلام خداوند و معصومین(ع) کمتر پرداخته شده است لذا مشاهده می‌شود که بسیاری از پژوهش‌ها در بیان عوامل افزایش دهنده انگیزه نگاشته شده و در استخراج و بررسی عوامل کاهنده انگیزه از نگاه قرآن و روایات خلاء جدی مشاهده می‌شود. از سویی دیگر صرف بیان شیوه‌های انگیزشی نیز کافی نبوده و بایستی به گونه‌ای تبیین شده که بتوان در فضاهای تربیتی و مشاوره از آن روش‌ها بهره برد در نتیجه در پژوهش حاضر تعدادی از این روش‌های تضعیف انگیزه از متون دینی استخراج گردیده و پس از بیان مستندات هریک از روش‌ها در آیات قرآن و کتب حدیثی و نیز ذکر

تبیین روش‌های تضعیف انگیزه در انجام رفتار نامطلوب از منظر قرآن و احادیث ۱۷۳

مثال‌هایی کاربردی، عناصر تعیین کننده در هریک از روش‌ها تبیین شده تا در نهایت با ارائه الگویی، بتوان از آن روش‌ها در محیط‌ها و رفتارهای مختلف بهره برد.

### ۳. روش‌های تضعیف انگیزه در انجام رفتار نامطلوب

در این بخش به پنج مورد از روش‌های کاهش دهنده انگیزه که در قرآن کریم و کتب روایی به کار رفته‌اند اشاره شده و در هریک از آنها توصیه‌هایی نیز به منظور کاربست بهتر از آن روش‌ها برای مریبان و مشاوران دینی بیان شده است. لازم بذکر است که این روش‌ها تنها بخشی از روش‌های دینی در تضعیف انگیزه هستند که با توجه به وجود برخی مفاهیم نزدیک به این روش‌ها در نظریات روانشناسی معاصر، می‌توان در تبیین بهتر این روش‌های دینی بهره برد.

#### ۳-۱. مقایسه

مقایسه، از شیوه‌هایی است که سبب شده خود مخاطب به قضاوت نشسته و اندیشه او نسبت به انجام ندادن آن عمل ناپسند، اقناع گردد. این شیوه به دو صورت انجام می‌پذیرد: صورت اول: آن عمل ناپسند را با نقطه مقابلش که یک عمل پسندیده است مقایسه کنیم. پیامبران متعددی در طول تاریخ تبلیغی خویش از این صورت از شیوه مقایسه استفاده نموده‌اند تا با اثرگذاری بر فطرت‌های مشرکان، آنها را به سمت توحید و دوری از شرک سوق دهند (عباسی مقدم، ۱۳۷۹: ۳۳۱)

در سوره صافات ذکر شده هنگامی که «الیاس نبی» با این مسأله روبرو شد که امت او بتی به نام «بعل» را ساخته و مشغول عبادت آن شدند، بت دست‌ساز آنها را در برابر خداوند متعال که آفریدگار هستی است قرار داده و با یکدیگر مقایسه نموده

بلکه انگیزه آنها نسبت به کفر ورزیدن به خداوند تضعیف گردد: «أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ» (صافات/۱۲۵) ترجمه: آیا بت «بعل» را می‌خوانید و بهترین آفریدگاراها را رها می‌سازید؟! را

همچنین «مؤمن آل فرعون» از شخصیت‌های بزرگ زمان حضرت موسی (ع) بوده که به مردم زمان خود موعظه‌هایی داشته که به تعدادی از موعظه‌های او در سوره غافر اشاره شده که در یکی از مواعظ خود، زندگی دنیا را که متاع زودگذری است با آخرت پایدار، مقایسه نموده است: «يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ» (غافر/۳۹) ترجمه: ای قوم من! این زندگی دنیا، تنها متاع زودگذری است؛ و آخرت سرای همیشگی است

این شیوه تضعیف انگیزه در سوره اعلی نیز آمده و دنیا با آخرت باقی مقایسه گردیده است: «بَلْ تُؤْتِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا \* وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى» (اعلی/۱۶ و ۱۷) ترجمه: ولی شما زندگی دنیا را مقدم می‌دارید\* در حالی که آخرت بهتر و پایدارتر است.

لازم بذکر است در مواردی که دو شیء یا دو عمل خوب و بد با یکدیگر مقایسه می‌گردند شایسته است ویژگی‌هایی مثبت عمل پسندیده و منفی عمل ناپسند و یا حداقل یکی از آنها برای مخاطب ذکر شود. بیان علت برتری یکی بر دیگری سبب اثرگذاری و اقناع شناختی مخاطب خواهد شد. لذا مشاهده می‌کنیم «مؤمن آل فرعون» در آیه «يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ» (غافر/۳۹) ویژگی برتری دهنده آخرت یعنی ابدیت را در برابر ویژگی زودگذر بودن دنیا قرار داده و آنها را با یکدیگر مقایسه نموده است. همچنین ذکر «احسن الخالقین» در آیه «أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ» (صافات/۱۲۵) اشاره به این مطلب است که هنگامی که خدای متعال، بهترین آفرینندگان است پس عبادت چنین خدایی را

تبیین روش‌های تضعیف انگیزه در انجام رفتار نامطلوب از منظر قرآن و احادیث ۱۷۵

کنار گذاشتن و عبادت دیگری را کردن ناموجه و در نهایت سفاهت است (اشکوری، ۱۳۷۳: ۷۹۳/۳)

صورت دوم: در اجرای صورت دوم بایستی مزایا و معایب انجام آن عمل ناپسند را با یکدیگر مقایسه نماییم که می‌توان این کار را خود مشاور انجام داده و به مراجع خویش سود و زیان آن عمل را بیان داشته یا از مراجع خویش بخواهد که خود این کار را انجام داده تا اثرگذاری بیشتری داشته باشد.

در جریان حرمت شراب که یکی از رفتارهای ریشه دار در عصر جاهلیت بوده، خداوند متعال از روش‌های متعددی برای اجتناب از این رفتار بکار برده است، از بیان تدریجی حکم حرمت شراب گرفته تا استفاده از شیوه مقایسه به جهت تضعیف انگیزه شراب خواری. در یکی از آیات سوره بقره اشاره شده که عده‌ای از مردم نزد پیامبر اکرم (ص) آمده و از ایشان در مورد حکم شراب و قمار سوال می‌کنند، خداوند نیز در پاسخ آنها این آیه را نازل می‌فرماید: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِنَّهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا...» (بقره/۲۱۹) واژه «إثم» در این آیه شریفه اشاره به زبانی‌هایی است که در شراب و قمار وجود دارد زیرا «إثم» در لغت به معنای هرچیزی است که انسان را از رسیدن به ثواب و پاداش به تأخیر اندازد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۳) و لذا در این آیه شریفه، شراب و قمار، إثم نامیده شده به دلیل اینکه سبب محرومیت انسان از امور خیر و ثواب می‌گردد. خداوند متعال در این آیه پس از اینکه از گناه و زیان بزرگی که در شراب است یاد نمود، جالب آن است که برای آن دو، منفعت‌هایی نیز قائل شده است که با ذکر منافع شراب و قمار، باب مقایسه و قضاوت میان منفعت و ضررهای آن دو را گشوده است.

این شیوه قرآنی را می‌توان «موازنه میان ایجابیات و سلبیات» نیز نامگذاری نمود که در این شیوه عقل انسان ضرر زیاد (سلبیات) را با منفعت کم (ایجابیات) موازنه و سنجش نموده و در نتیجه حاضر نمی‌شود بخاطر فواید کم آن، دست به چنین عملی بزند. (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۲۱۸/۴) نکته‌ای که در اجرای این شیوه، شایسته است که به آن توجه گردد این بوده که به دلیل اینکه از منظر عقل و شرع، هر عمل ناپسندی مفسده آن بیش از مصلحت آن است می‌توان پس از بیان مزایا و معایب، جانب مزایای عمل ناپسند را تنقیص نموده و در مقابل، جانب معایب را بزرگتر جلوه دهیم البته با بیان واقعیت‌هایی که ممکن است مخاطب از آنها اطلاعی نداشته باشد. به نظر می‌رسد در جریان بیان حکم شراب نیز خداوند متعال همچنانکه جانب مزیت را تنقیص نموده، عیب آن را نیز بزرگ جلوه داده است. خداوند در این آیه ابتدا با طرفداران شراب همراهی نموده و منفعت‌های شراب را متعدد دانسته لذا با لفظ جمع «منافع» یاد می‌کند اما هنگامی که در مقام مقایسه با ضررهای آن می‌رسد بصورت مفرد «نفع» از آن یاد می‌کند شاید بتوان دلیل این تغییر را تنقیص منفعت شراب در برابر ضررهای آن دانست. همچنین خداوند متعال در دو مورد «إِثْمٌ كَبِيرٌ» و «إِثْمُهُمَا أَكْبَرُ» جانب ضرر را بزرگ دانسته است.

همچنین در سوره بقره هنگامی که خداوند متعال به بیان حکم عدم جواز ازدواج مسلمانان با مشرکان می‌پردازد، از این شیوه استفاده نموده و در مقام مقایسه به مزیت چنین ازدواجی با دو واژه «وَلَوْ أَعْجَبْتُمْكُمْ» و «وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ» اشاره می‌فرماید و پس از آن، به عیب بزرگ این چنین ازدواج‌هایی اشاره نموده و می‌فرماید: «أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ».

«وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَ لَأَمَّةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَ لَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَ لَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَ لَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَ لَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ اللَّهُ يَدْعُوا



تبیین روش‌های تضعیف انگیزه در انجام رفتار نامطلوب از منظر قرآن و احادیث ۱۷۷

إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةَ بِإِذْنِهِ وَيُسَبِّحُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (بقره/۲۲۱) ترجمه: و با زنان مشرک و بت‌پرست، تا ایمان نیاورده‌اند، ازدواج نکنید! کنیز باایمان، از زن آزاد بت‌پرست، بهتر است؛ هر چند شما را به شگفتی آورد. و زنان خود را به ازدواج مردان بت‌پرست، تا ایمان نیاورده‌اند، در نیاورید! یک غلام باایمان، از یک مرد آزاد بت‌پرست، بهتر است؛ هر چند شما را به شگفتی آورد. آنها دعوت به سوی آتش می‌کنند؛ و خدا دعوت به بهشت و آمرزش به فرمان خود می‌نماید، و آیات خویش را برای مردم روشن می‌سازد؛ شاید متذکر شوند!

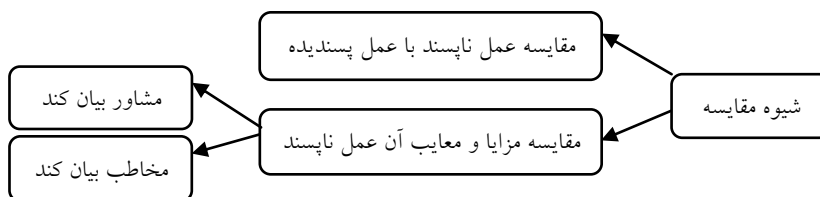
گویا خداوند به آنها اینگونه می‌فرماید که درست است که ازدواج با مشرکین به خاطر داشتن زیبایی، ثروت زیاد و دیگر چیزهایی که شما را به شگفتی می‌آورد در برابر ازدواج با کنیز و برده برای شما خوشایندتر است اما این فواید اندک در مقایسه با اینکه ممکن است با تحریک آنها به کفر و نفاق بیفتید و در نتیجه دچار آتش جهنم شوید، چیزی به حساب نمی‌آید. در نتیجه نهی در این آیه به صورت جبرگونه نبوده بلکه انسان را راهنمایی نموده تا میان رغبت عاطفی خویش و نیز مصلحت واقعی موازنه برقرار نماید. این امر می‌تواند اقتناع مخاطب را نیز در پی داشته باشد (فضل الله، ۱۴۱۹: ۲۳۷/۴)

کاربرد این شیوه در برخی روایات نیز مشاهده می‌گردد، امیرالمؤمنین علی (ع) در یکی از توصیه‌های خود به فرزندش امام مجتبی (ع) که در حقیقت توصیه‌ای به تمام جوانان در تمام زمانهاست به فواید و معایب انجام برخی گناهان اشاره و با اقرار به لذت داشتن انجام برخی گناهان، به پیشمانی حاصل از انجام آن را نیز یادآور گشته و فرمودند: در لذتی که پیشمانی به دنبال داشته باشد خیری نیست. (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۸۵)

امروزه در دانش روان شناسی یکی از تکنیک‌های «شناخت درمانی»، تحلیل مزایا و معایب باورهای غلط مراجع است که سبب ناخوشایند شدن حال او شده است. در این تکنیک شناخت درمانی که غالباً سودمند واقع می‌شود، مراجعان باورهای خاص خود را مورد آزمون قرار می‌دهند و درمانگر نیز تلاش می‌کند تا امتیازات را به حداقل رسانده و از اهمیت آنها بکاهد و در عوض معایب را مورد تأکید و توجه قرار دهد. (بک، ۱۳۹۱: ۲۰۶)

شایسته ذکر است که یکی از مزایای استفاده از صورت دوم، این است که مخاطب احساس می‌کند که متکلم او را «درک» نموده زیرا بیان فواید در کنار زیان‌های یک عمل ناپسند سبب می‌شود که مخاطب تصور نکند که متکلم از فوایدی که با انجام آن عمل به او می‌رسد آگاه نبوده و لذا او را از عمل مورد نظر نهی نموده است بلکه با اطلاع از مخاطب نسبت به آن عمل، وی را از ادامه عمل باز می‌دارد. در نتیجه سزاوار است که مشاورین دینی و مربیان تربیتی از این شیوه قرآنی که دانشمندان غربی نیز به اثرات آن اذعان نموده‌اند در تغییر یا حذف رفتار نامطلوب مراجعان خود بهره برده و به جهت اثرگذاری بیشتر نیز می‌توانند از مخاطب خویش بخواهند که در کاغذی، تمام فواید و مضرات این عمل ناشایسته را نوشته و خود آزادانه تصمیم بگیرد.

در شکل زیر صورت‌های مختلف اجرای این شیوه به نمایش گذاشته می‌شود:



### ۳-۲. حياء

یکی از روش‌های تضعیف انگیزه این است که به مخاطب این آگاهی داده شود که عمل ناپسند او سبب شرمندگی او از فردی عزیز و محترمی می‌گردد که مخاطب نسبت به او دلبستگی دارد. حال یا بواسطه اینکه آن فرد محترم، خوبی‌های بسیاری در حق او نموده و یا اینکه عمل نادرست او در مرعی و منظر آن شخص محترم انجام می‌گیرد. «حیاء» را می‌توان یک عامل انگیزشی مهم در اسلام برشمرد که به فرموده امیرالمؤمنین(ع)، وجود آن در انسان، مانع انجام فعل قبیح خواهد شد (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۷۴). این شیوه به دو صورت انجام می‌پذیرد:

صورت اول: یادآوری کارهای خوبی که در حق او شده: اگر فردی بخواهد مرتکب عمل ناپسندی شود اما فردی که برای او عزیز است و همچنین نسبت به او خوبی‌های زیادی انجام داده مخالف انجام آن عمل ناپسند می‌باشد در این حال می‌توان تعدادی از خوبی‌هایی که آن فرد در حق او انجام داده را برشمرد تا از این طریق حالت شرمندگی در او ایجاد شده و انگیزه او برای انجام آن عمل ناپسند تضعیف گردد. مثلاً حاضر می‌شوی با این چشمی که خداوند به تو داده تا زیبایی‌های آفرینش را ببینی نگاه آلوده بیندازی؟!

در آیه ۳۴ سوره ابراهیم، خداوند متعال از ستم پیشگی و ناسپاسی انسان‌ها گلایه می‌نماید اما قبل از بیان این گلایه در آیات قبل آن، از نعمت‌های متعدد و بی‌شمار خود سخن گفته و آنها را غیر قابل شمارش و احصاء معرفی نموده است: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْفَلَكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ \* وَسَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ \* وَآتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ»

(ابراهیم/ ۳۲ و ۳۳ و ۳۴) ترجمه: خداوند همان کسی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید؛ و از آسمان، آبی نازل کرد؛ و با آن، میوه‌ها را برای روزی شما بیرون آورد؛ و کشتی‌ها را مسخر شما گردانید، تا بر صفحه دریا به فرمان او حرکت کنند؛ و نه‌رها را مسخر شما نمود؛\* و خورشید و ماه را - که با برنامه منظمی در کارند - به تسخیر شما درآورد؛ و شب و روز را مسخر شما ساخت؛\* و از هر چیزی که از او خواستید، به شما داد؛ و اگر نعمت‌های خدا را بشمارید، هرگز آنها را شماره نتوانید کرد! انسان، ستمگر و ناسپاس است!

اگرچه ممکن است برای یادآوری نعمت‌ها پیش از چنین شکایتی، اهداف متعددی از جانب خداوند بوده باشد اما آنچه که معلوم است این بوده که ثمره یادآوری نعمت‌های الهی می‌تواند انسان را نسبت به گناهان خود شرمنده ساخته و خود قضاوت نماید که آیا با این همه نعمت‌ها، باز هم جایی برای سرکشی و کفران نعمت باقی می‌ماند؟ در نتیجه شرمندگی حاصل از این قضاوت می‌تواند انسان را از ظلم و ناسپاسی دور کند.

همچنین فردی خدمت امام زین‌العابدین (ع) رسید و از حضرت درخواست موعظه‌ای نمود تا از طریق آن بتواند از گناهانی که انجام می‌دهد اجتناب نماید. امام (ع) پنج موعظه به او نمودند که در یکی از آن موعظه‌ها از این روش استفاده نموده و فرمودند: «از روزی خداوند نخور، هر گناهی که می‌خواهی مرتکب شو». (شعیری، بی‌تا: ۱۳۰). امام سجاد (ع) در این موعظه خود با یادآوری نعمت رزق و روزی خداوند به او تلاش نمود که انگیزه انجام گناهان را در او تضعیف نمایند زیرا بی‌انصافی است که نمک کسی را بخورید و بعد نمک دان بشکنید!

صورت دوم: یادآوری حضور ناظر محترم در هنگام انجام عمل ناپسند: دومین صورت از اجرای شیوه «حیاء» تذکر این مطلب است که فرد محترمی در هنگام انجام عمل ناپسند، او را مشاهده می‌کند، نظاره‌گر بودن شخص یا اشخاص که خاطرشان برای آن فرد عزیز است، می‌تواند شرمندگی او را در انجام آن عمل نامطلوب به ارمغان آورده و انگیزه انجام آن عمل را از او سلب نماید. البته اثرگذاری صورت دوم نیز وابسته به محبت‌هایی است که آن ناظر محترم در حق او نموده است.

شیوه حیاء، برخلاف دیگر عوامل انگیزشی مانند پاداش و عقاب که متکی بر ایجاد طمع و ترس در مخاطب است، بر پایه تکریم و حرمت نهادن به ناظر محترمی است که حضور و نظارت وی احساس می‌شود به همین منظور می‌توان این عامل انگیزشی را در رتبه بالاتری از دو عامل ذکر شده قرار دارد (پسندیده، ۱۳۸۴: ۸۵) البته عدم وجود طمع و ترس در فرایند بازدارندگی حیاء، از جهاتی قابل خدشه است زیرا علاوه بر اینکه وجود حرمت و البته محبت ناظر بیرونی می‌تواند در انجام ندادن فعل قبیح مؤثر باشد، نمی‌توان انکار نمود که طمع نسبت به الطاف و نعمات مخصوص الهی که ممکن است با انجام آن فعل قبیح، استمرار نیابد و یا خوف اینکه چون خداوند ناظر است، ممکن است در حین گناه، غضب خویش را نشان دهد، از تصورات ذهنی شخص حیاء‌کننده است که هرکدام می‌توانند در ترک گناه اثرگذار باشند. از سویی دیگر، نمی‌توان ناظر محترم در عامل حیاء را صرفاً خداوند متعال دانست زیرا نظارت مردم یکی جامعه نیز می‌تواند سبب ایجاد حیاء شود (مفید، ۱۴۱۳: ۱۶۷)<sup>۱</sup> که در این موارد ترس از سرزنش مردم و یا مؤاخذه فرد خاطی می‌تواند دیگر عنصر ایجاد کننده حیاء باشد. در نتیجه نمی‌توان مؤلفه تعیین کننده

---

۱. امام باقر(ع): الْحَيَاءُ مِمَّا يَفْضَحُ عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ النَّاسِ

حیاء را صرفاً حفظ حرمت و یا محبت‌های گذشته ناظر بیرونی دانست بلکه عوامل دیگری نیز در فرایند بازدارندگی حیاء نقش خواهند داشت.

البته با وجود اینکه ناظر بیرونی در حیاء، مردمان جامعه را نیز شامل می‌شود اما در اینجا مراد از نظارت، نظارتی غیبی است که در همه حال، حتی در تنهایی انسان‌ها وجود خواهد داشت لذا تنها اختصاص به بخشی از ناظران بیرونی همچون خداوند متعال، پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) دارد که شاهد اعمال انسان‌ها می‌باشند.<sup>۱</sup> نمونه‌ای از اجرای صورت دوم این شیوه را می‌توان در سوره علق مشاهده نمود که خداوند متعال در مورد شخصی که پیامبر اکرم(ص) را تکذیب نموده و از ایشان روی برگردانده بود، ناظر بودن خداوند در همه حال را به او یادآور شده است: «أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَ تَوَلَّى \* أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى» (علق/۱۳ و ۱۴) ترجمه: به من خبر ده اگر این طغیانگر حق را انکار کند و از آن روی گردان شود (آیا مستحق مجازات الهی نیست)؟! آیا او ندانست که خداوند همه اعمالش را می‌بیند؟!

توجه به این واقعیت که هر کاری را انسان انجام می‌دهد در پیشگاه خدا است و اصولاً تمام عالم هستی محضر خدا بوده و چیزی از اعمال و حتی نیات آدمی از او پنهان نیست، می‌تواند روی برنامه زندگی انسان اثر زیاد بگذارد، و او را از خلافاکاری‌ها باز دارد، مشروط بر اینکه ایمان به این مطلب واقعاً در دل او جای گیرد و به صورت یک باور قطعی در آید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۷ / ۱۶۷)

همچنین در یکی دیگر از توصیه‌های امام زین‌العابدین(ع) به شخص گنه کار، از صورت دوم این شیوه نیز استفاده شده و ایشان ناظر بودن خداوند در هنگام انجام

۱. «قُلْ اَعْمَلُوا فِى سَبِيْلِ اللّٰهِ عَمَلِكُمْ وَ رَسُوْلُهُ وَ الْمُؤْمِنُوْنَ...» (توبه / ۱۰۵) - عَنِ الْمَيْمَنِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ (ع) عَنْ قَوْلِ اللّٰهِ تَعَالَى «فَسَبِيْرِ اللّٰهِ عَمَلِكُمْ وَ رَسُوْلُهُ وَ الْمُؤْمِنُوْنَ» قَالَ هُمْ الْاٰئِمَّةُ. (صفار، ۱۴۰۴: ۱ / ۴۲۷)

تبیین روش‌های تضعیف انگیزه در انجام رفتار نامطلوب از منظر قرآن و احادیث ۱۸۳

معصیت را متذکر شده و فرمودند: «جایی را پیدا کن که خداوند تو را (هنگام معصیت)

نبیند، هر گناهی می‌خواهی مرتکب شو» (شعیری، بیتا: ۱۳۰)

به نظر می‌رسد این شیوه را بتوان با این حدیث از امیرالمؤمنین علی (ع) تبیین

نمود که فرمودند: «انسان بنده احسان است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۲۹) آری

احساس مدیون بودن نسبت به کسی که لطفی را در حق آدمی انجام داده علاوه بر

اینکه سبب شده آدمی دستورات آن فرد را راحت‌تر انجام دهد، در موارد نافرمانی

وی نیز سبب احساس خجلت و شرمندگی در انسان می‌شود که خود یک عامل

درونی در تضعیف انگیزه در انجام نافرمانی است.

### ۳-۳. تصور رفتار نامطلوب با خود

یکی از شیوه‌های تضعیف انگیزه این است که فرد تصور کند همان عمل زشت را فرد

دیگری نسبت به او انجام می‌دهد، زجر و ناملایمیتی که از این تصور ذهنی در فرد

وجود می‌آید سبب شده که انگیزه فرد نسبت به انجام آن عمل تضعیف گردد. این

روش، مستفاد از این قاعده اخلاقی است که «هرچه برای خود نمی‌پسندی برای

دیگران نیز نپسند» که البته تعبیر سلبی قاعده طلایی است که می‌گوید «هرچه برای

خود می‌پسندی برای دیگران نیز نپسند». به همین جهت آن را قاعده نقره ای<sup>۱</sup>

نامیده‌اند (مهدوی آزادبنی، ۱۳۹۵: ۲۹۷)

در سوره نساء هنگامی که خداوند می‌خواهد مردم نسبت به ایتمای دیگران

مراعات نموده و به آنها ستمی روا ندارند، از این شیوه تضعیف انگیزه استفاده کرده و

به آنها یادآور شده همچنانکه بر آینده فرزندان یتیم خود می‌ترسند که مبادا پس از

آنها، مورد بی‌مهری و ظلم دیگران قرار گیرند پس نباید به ایتمام دیگران نیز بی‌مهری و ستم نمایند. «وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعْفًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَ لْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» (نساء/۹) ترجمه: کسانی که اگر فرزندان ناتوانی از خود بیادگار بگذارند از آینده آنان می‌ترسند، باید (از ستم درباره یتیمان مردم) بترسند! از خدا بپرهیزند، و سخنی استوار بگویند.

این آیه شریفه از طریق تحریک عاطفه و ایجاد یک تصور زجرآور در ذهن انسان‌ها، تصور اینکه اطفال بی‌پناه انسان بعد از مردن او تحت سرپرستی انسانی سنگدل و خائن قرار گرفته که نه به احساسات آنها پاسخ مثبت می‌دهد، و نه در اموال آنها رعایت عدالت می‌کند، آنچنان می‌تواند دردناک باشد که می‌تواند انگیزه انسان را برای ستم به ایتمام دیگران تضعیف نماید (قطب، ۱۴۲۵: ۵۸۸/۱ - مکارم، ۱۳۷۱: ۲۷۸/۳).

همچنین در سیره پیامبر اکرم(ص) آمده هنگامی که جوانی به جهت طغیان شهوت جنسی و در نتیجه تمایل به عمل منافی عفت، نزد پیامبر(ص) آمده و از ایشان اجازه خواست که مرتکب زنا شود، پیامبر عزیز اسلام(ص) به جهت تضعیف این انگیزه معصیت در او از همین شیوه استفاده نموده و خطاب به آن جوان فرمودند: «آیا دوست داری کسی با مادر تو زنا کند و یا با دختر و خواهر تو و یا (با دیگر خویشاوندان تو) این عمل را مرتکب شود؟!» (شیبانی، ۱۴۱۴: ۲۸۵ / ۸)

در روایتی دیگر نیز از این شیوه بهره برده شده است، ابابصیر از امام صادق(ع) در مورد مردی سوال نمود که به زنی نگاه آلوده‌ای نموده است، حضرت به ابابصیر فرمود: «آیا کسی از شما دوست دارد که به همسرش و زنان خویشاوندش نگاه



تبیین روش‌های تضعیف انگیزه در انجام رفتار نامطلوب از منظر قرآن و احادیث ۱۸۵

کنند؟» عرض کرد: خیر. حضرت فرمود: «پس همان را که برای خودت می‌پسندی برای دیگران بپسند» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۴/۱۹)

شایسته ذکر است به جهت اینکه هدف از اجرای این شیوه ایجاد یک انزجار در ذهن مخاطب است لذا قبل از اجرای این شیوه باید مطمئن گردید که انجام عمل مورد نظر توسط دیگران نسبت به او واقعاً برای او زجرآور و ناخوشایند باشد. در نتیجه برای فردی که آلوده بودن محیط زندگی‌اش برای او اهمیتی نداشته نمی‌توان گفت که آیا دوست داری کسی محیط زندگی‌ات را آلوده کند؟ در این موارد لازم است که ابتدا با اقتناع ذهنی او نسبت به ضررهای انجام آن عمل نسبت به او و در نتیجه ایجاد زجر ذهنی در او، مخاطب را آماده اجرای این شیوه نماییم.

به نظر می‌رسد در شیوه «تصور رفتار نامطلوب با خود»، عامل اصلی انگیزشی «حب ذات» است، زیرا یکی از احساسات انسان درباره خویش که البته فطری و همگانی است، دوست داشتن خود، یا اصطلاحاً «حب ذات» است. برخی از صاحب نظران، این دوستن ذاتی را به «خودگرایی» تعبیر می‌کنند. معتقدین به این نظریه قائلند که انسان همواره به گونه‌ای رفتار می‌کند که خیر و نفع خویش را تأمین کند. (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۲: ۲۲۱) اگرچه حب ذات یک عامل زیربنایی برای ترغیب انسان به انجام کارهای متعددی است اما در این شیوه با ایجاد یک بستر خیالی که با هنرمندی همراه است، می‌توان این محبت را در وجود آدمی تحریک نموده و در نهایت او را به سمت ترک رفتار مورد نظر سوق داد.

### ۳-۴. عاقبت‌نگری

توجه به عواقب شومی که انجام دهندگان آن عمل ناپسند در گذشته به آن دچار شده‌اند می‌تواند در تضعیف انگیزه مخاطب در انجام آن عمل مؤثر باشد. به این شیوه

در آیات و روایات «عبرت» نیز اطلاق گردیده است که از منظر امام علی (ع) سبب بازداری انسان از گناه و لغزش می‌شود. (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۱۳۰) در واقع، یکی از مؤلفه‌های مهم عبرت آموزی که نتیجه رفتاری آن خواهد بود، رسیدن به «خویشتن‌داری» و ترک گناه است به گونه‌ای که بدون آن، اساساً عبرت‌آموزی معنا ندارد (شجاعی، ۱۳۸۸: ۱۶۹)

این شیوه به دو صورت انجام می‌پذیرد:

صورت اول: بیان سرگذشت انسان‌هایی که از انجام آن عمل دچار اثرات ناخوشایندی شدند، می‌تواند سبب عبرت و در نتیجه تضعیف انگیزه مخاطب گردد که می‌توان از آن به «عبرت شنیداری» تعبیر نمود

نمونه‌ای از عبرت شنیداری را می‌توان در بیان سرگذشت پیشینیان و عقوبت آنها توسط خداوند که به «قصص قرآنی» و «قصص انبیاء» معروف است مشاهده نمود که از جمله این عبرت‌های قرآنی را می‌توان به موارد زیر اشاره نمود

۱. در سوره «یوسف» خداوند متعال پس از بیان داستان یوسف نبی (ع) که به عنوان «أحسن القصص» نامگذاری کرده و پس از اشاره‌ای کلی به سرگذشت انبیاء، در آیه پایانی این سوره، این داستان‌ها را مایه عبرت صاحبان خرد و اندیشه دانسته است: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ...» (یوسف/۱۱۱) ترجمه: در سرگذشت آنها درس عبرتی برای صاحبان اندیشه است.

۲. در سوره «اعراف» خداوند متعال پس از اینکه به اعمال شنیع قوم لوط و در نهایت فرو فرستادن عذاب «باران سنگ» بر سر آنها اشاره می‌کند، مخاطب خود را به عاقبت نگری دعوت نموده است: «وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ» (اعراف: ۸۴) ترجمه: و بارانی (از سنگ) بر آنها فرستادیم؛ پس بنگر سرانجام کار مجرمان چه شد!

تبیین روش‌های تضعیف انگیزه در انجام رفتار نامطلوب از منظر قرآن و احادیث ۱۸۷

همچنین امیرالمؤمنین در یکی از خطب نهج البلاغه که به خطبه «قاصعه» معروف است، سه مرتبه در فرازهای متعدد آن با بیان عبارت «فَاعْتَبِرُوا...» از این شیوه تضعیف انگیزه استفاده نموده است:

۱. در فراز اول به منظور تضعیف انگیزه «تکبر» در وجود انسان به عاقبت تکبر ورزیدن ابلیس اشاره نموده و فرمودند: «از رفتار خداوند با ابلیس عبرت بگیرید که همه آنچه او در مدت درازی انجام داده بود و تمام کوششی که نموده بود، بی‌اثر گردید. او شش هزار سال - که معلوم نیست از سال‌های دنیاست یا از سال‌های آخرت - عبادت خدا کرد؛ اما با یک لحظه کبرورزی، از جایگاهی که داشت، بیرون گردید». (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۲۸۷)

۲. در فراز دوم نیز به منظور تنبّه انسان‌ها از تکبر در برابر خداوند، به امت‌های مستکبر و عذاب‌هایی که از جانب خداوند به آنها رسیده اشاره نموده و فرمودند: «از عذاب خدا و یورش‌ها و بلاها و کیفرهای او که بر سر ملت‌های گردنکش پیش از شما آمده است، عبرت بگیرید» (همان، ۲۹۰)

۳. در فراز سوم به منظور اجتناب از پراکندگی و تفرقه میان مسلمین، از بلاهایی که تفرقه در گذشته بر سر بنی‌اسرائیل آورده یاد نموده و فرمودند: «از حال فرزندان اسماعیل و بنی اسحاق و بنی اسرائیل، پند بگیرید که چه قدر حالت‌ها با هم متناسب است و نمونه‌ها به هم نزدیک! در کار آنان به هنگام تشتت و پراکندگی بنگرید. روزگاری که کسرها و قیصرها بر آنان پادشاهی می‌کردند، آنان را از مرغزارهای پُر نعمت و دریای عراق و سرزمین‌های سرسبز دنیا می‌ربودند و به زمین‌هایی که رویدنی‌اش درمّنه بود و محلّ وزیدن باد و سختی زندگی، روانه می‌داشتند. آنان را مستمند و تهی‌دست واگذاشتند، هم‌نشینان بیابان و شتر، خوارترین امت‌ها از جهت خانه، و خشک‌ترینشان از جهت کاشانه و محلّ استقرار». (همان، ۲۹۷)

صورت دوم: برخلاف صورت اول، صرفاً بیان عواقب سوء انجام آن عمل کافی نبوده و مشاهده آن نیز لازم است. بدون تردید دیدن حالات و عواقب ناخوشایندی که از انجام آن عمل ناپسند در فردی حاصل شده است می‌تواند تأثیر بسزایی در کاهش انگیزه مشاهده کننده داشته باشد که این صورت را می‌توان «عبرت دیداری» نامگذاری نمود. در آیات متعددی، قرآن کریم مردم را دعوت به سیر در نقاط مختلف زمین نموده تا از این طریق به بقایای آثار گذشتگان نظر کرده و در نتیجه مایه عبرت آنها گردد از جمله آنها:

۱. «قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (آل عمران / ۱۳۷) ترجمه: پیش از شما، سنت‌هایی وجود داشت؛ پس در روی زمین، گردش کنید و ببینید سرانجام تکذیب‌کنندگان (آیات خدا) چگونه بود؟!

۲. «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (انعام / ۱۱) ترجمه: بگو: «روی زمین گردش کنید! سپس بنگرید سرانجام تکذیب‌کنندگان آیات الهی چه شد؟!» آری مشاهده اهرام مصر، طاق کسری و نیز دیگر کاخ‌های پادشاهان گذشته که الآن به عنوان ابنیه‌های تاریخی شناخته می‌گردد می‌تواند درس‌های بسیاری به انسان‌ها بیاموزد. به همین دلیل می‌توان این نوع سفرهای عبرت آمیز را «جهانگردی معنوی» دانست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۳ / ۱۰۴)

همچنین این نوع از عاقبت نگری را می‌توان در اجرای حدود شرعی نیز ملاحظه نمود، در شریعت اسلامی اجرای حدود یا به عبارت دیگر کیفر برخی گناهان بزرگ همچنانکه اثر بازدارنده برای خود گناه کار دارد، در صورت علنی اجرا شدن آن می‌تواند برای دیگران نیز خاصیت بازدارندگی داشته باشد. شواهد و دلائلی در متون دینی وجود داشته که در برخی موارد توصیه شده که مردم برای

مشاهده مجازات یک مجرمی حاضر شوند، این شواهد می‌توانند نمونه‌هایی از بکار بردن این شیوه تضعیف انگیزه در آئین اسلام باشد، از جمله آنها:

۱. یکی از حدود اسلامی این است که اگر زن و مرد بدون همسر، مرتکب زنا شوند بایستی به آنها ۱۰۰ ضربه شلاق زده شود، به این حکم در سوره نور اشاره گردیده است اما نکته قابل توجه این بوده که خداوند بعد از بیان این حکم، دستور داده که عده‌ای از مؤمنان نیز شاهد این مجازات باشند: «الرَّائِيَةُ وَالرَّائِيَةُ فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيَشْهَدُ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ» (نور/۲) ترجمه: هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید؛ و نباید رأفت (و محبت کاذب) نسبت به آن دو شما را از اجرای حکم الهی مانع شود، اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید! و باید گروهی از مؤمنان مجازاتشان را مشاهده کنند.

مشاهده مجازات زن و مرد زناکار، علاوه بر اینکه به دلیل مفتضح شدن، یک کیفر مضاعفی برای آنان بوده که دیگر دست به چنین خلاف عفتی نزنند، می‌تواند مایه عبرت مشاهده‌کنندگان نیز باشد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۷۹/۱۵ - فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۲۲۵/۱۶ - آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۸۲/۹)

۲. از حدود الهی که باید مستقیماً توسط مردم جامعه اجرا شود «رجم» یا سنگسار می‌باشد که در شریعت اسلامی در صورتی که زن و مرد زناکار دارای همسر باشند این حد درمورد آنها عملی خواهد شد، اما نکته قابل توجه اینجاست که در اجرای سنگسار باید مردم اجتماع کرده و آنها این حد را اجرا کنند.

در برخی روایات آمده هنگامی که امیرالمؤمنین علی (ع) اراده فرمودند حد زناکاری را اجرا نمایند، اعلام عمومی نموده و مسلمانان را برای اجرای حد مرد زناکار فراخواندند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۸۸/۷) بدون تردید همین مشاهده و حضور

عموم مسلمانان در هنگام سنگسار، خود عامل تضعیف انگیزه در انجام هرگونه خلاف عفتی خواهد شد.

۳. یکی از مجازات‌های اسلامی که حتی اگر علنی نیز برگزار نشود اما تا پایان عمر مجرم، او را مایه عبرت دیگران می‌کند، «حد سرقت» است. امام رضا(ع) در روایتی در مقام بیان علل قطع دست سارق به عبرت‌آمیز بودن آن نیز اشاره نموده و فرمودند: «... بریدن آن کیفری برای دزد و درس عبرتی است برای دیگران تا در صدد تصرف اموال، از راه ناروا نیایند...» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۲ ص ۹۶)

شایسته ذکر است که یکی از نظریه‌های دانش روان‌شناسی که می‌توان آن را در همین راستا قلمداد نمود، نظریه «یادگیری اجتماعی»<sup>۱</sup> است که توسط روان‌شناسی به نام «بندورا»<sup>۲</sup> مطرح شده است، او برخلاف نظریه‌های شرطی سازی در مکتب رفتارگرایی، معتقد است جهت یادگیری یک رفتار نیاز نیست حتماً خود ما پیامد مثبت آن رفتار را تجربه کنیم بلکه با مشاهده رفتار سایر مردم و نتایج آن رفتارها نیز می‌توان رفتاری را آموخت. (شولتز و شولتز، ۱۳۹۳: ۳۸۶) بندورا علاوه بر اینکه مشاهده پیامد مثبت رفتار دیگران را سبب «یادگیری» آن رفتار می‌داند مشاهده پیامد منفی رفتار دیگران را نیز سبب «بازداری» آن رفتار دانسته است. او معتقد است در صورتی که مشاهده‌گر آن باشیم که فردی پیامد ناخوشایندی را تجربه کرده است، این تجربه ناخوشایند او بر ما نیز که مشاهده‌گر آن هستیم اثر خواهد گذاشت. (هماندو، ۱۳۹۲: ۵۳۰ و ۵۳۱)

نکته‌ای که در اجرای این شیوه حائز اهمیت است این بوده که در هر دو نوع عبرت (شنیداری و دیداری)، در صورتی که فرد مورد عبرت قرار گرفته، از نظر سن،

---

1. Social learning  
2. Bandura

تبیین روش‌های تضعیف انگیزه در انجام رفتار نامطلوب از منظر قرآن و احادیث ۱۹۱

تحصیلات، جنسیت و دیگر ویژگی‌ها به مخاطب نزدیک‌تر باشد می‌تواند اثر بیشتری در تضعیف انگیزه عمل ناپسند داشته باشد. یافته‌های «بندورا» نیز این مطلب را تأیید می‌نماید که به احتمال بیشتر، ما رفتارمان از کسانی سرمشق می‌گیریم که از نظر سن و جنسیت شبیه ما بوده و با مسائلی مانند مسائل ما دست و پنجه نرم می‌کنند. (شولتز و شولتز، ۱۳۹۳: ۳۸۷)

شایسته ذکر است که «عبرت دیداری» یکی از اثرگذارترین شیوه‌های تربیتی است که مبتنی بر مشاهده رفتار است که خصوصاً در سنین نوجوانی و جوانی می‌توان با این طریق از بسیاری از آسیب‌های اجتماعی پیشگیری نمود، به عنوان نمونه حضور در دادگاه‌های خانواده و مشاهده پرونده‌های اختلافات زوجین و همچنین اوضاع آشفته متقاضیان طلاق، می‌تواند انگیزه ازدواج‌های شتاب زده و صرفاً از روی هوس را در جوانان تضعیف نماید.

### ۳-۵. تصور آینده حسرت‌آمیز

یکی از شیوه‌های تضعیف انگیزه در انجام یک عمل ناپسند این است که مخاطب تصور کند در صورت انجام دادن این عمل، روزی فرا می‌رسد که از انجام دادن آن، سخت پشیمان شده و در آن زمان حسرت بازگشت به گذشته به جهت انجام ندادن آن عمل نکوهیده را خواهد داشت. رکن اصلی اجرای این شیوه، ایجاد حس «پشیمانی» است که «حسرت» را به دنبال خواهد داشت.

در سوره بقره خداوند متعال هنگامی که می‌خواهد انگیزه «تبعیت از سران کفر» را در انسان‌ها تضعیف نماید، به زمان پشیمانی و حسرت آنها از این عمل خود اشاره نموده و می‌فرماید: «إِذْ تَبَرَأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَ رَأَوْا الْعَذَابَ وَ تَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ \* وَ قَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّؤْنَا مِنَّا كَذَلِكِ يَرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالُهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَ مَا

هُم بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ» (بقره/۱۶۶ و ۱۶۷) ترجمه: در آن هنگام، پیشوایان گمراه‌کننده از پیروان خود، بیزاری می‌جویند؛ و عذاب الهی را مشاهده می‌کنند؛ و دستشان از همه جا کوتاه می‌شود. در این هنگام پیروان می‌گویند: «کاش بار دیگر به دنیا برمی‌گشتیم، تا از آنها بیزاری جوییم، آن چنان‌که آنان امروز از ما بیزاری جستند!» آری، خداوند این چنین اعمال آنها را به صورتی حسرت‌آور به آنان نشان می‌دهد؛ و از آتش دوزخ، هرگز خارج نخواهند شد.

همچنین در سوره انعام، خداوند متعال به جهت تضعیف انگیزه «دروغ پنداشتن آیات الهی»، به کلام حسرت‌آمیز اهل تکذیب در ورودی جهنم اشاره نموده و می‌فرماید: «وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (انعام/۲۷) ترجمه: کاش (حال آنها را) هنگامی که در برابر آتش (دوزخ) ایستاده‌اند، ببینی! می‌گویند: ای کاش (بار دیگر، به دنیا) بازگردانده می‌شدیم، و آیات پروردگاران را تکذیب نمی‌کردیم، و از مؤمنان می‌بودیم!

ترسیم چنین صحنه‌های تکان‌دهنده‌ای از اوضاع قیامت، از نظر تربیتی بسیار مفید و آموزنده است و هشدار به انسان‌هاست که تا فرصت از دست آنها بیرون نرفته و تا قدرت آن را دارند که حقایق را دریابند، به خود آیند و هدایت شوند و گرنه روزی خواهد آمد که پیشمانی سودی نخواهد داد (جعفری، ۱۳۷۶: ۴۲۳/۱)

شاسته ذکر است که می‌توان به جهت اثرگذاری بیشتر این شیوه، از مخاطب بخواهیم که لحظه‌ای تصور کند که آن کار ناپسند را انجام داده و در عاقبت از انجام آن، پیشمان شده اما استثنائاً برای یکبار به او فرصت جبران نیز داده‌اند، در آن فرصت چه خواهد کرد؟، الآن همان فرصت جبران است، اجرا این روش را در روایتی از امام زین العابدین(ع) مشاهده می‌کنیم که ایشان پس تلاوت آیات شریفه «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ \* قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ...» (مؤمنون/۹۹ و



تبیین روش‌های تضعیف انگیزه در انجام رفتار نامطلوب از منظر قرآن و احادیث ۱۹۳

۱۰۰) فرمودند: «امروز هریک از شما باید خودش را در دنیا به منزله آن کسی قرار دهد که (به او فرصت داده‌اند و) به دنیا برگشته است (کسی که) بخاطر کم کاری‌های خود در دنیا نسبت به انجام عمل صالح برای روز فقر و تنگدستی (قیامت) پشیمان است». (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۷۲)

#### ۴. نتیجه‌گیری

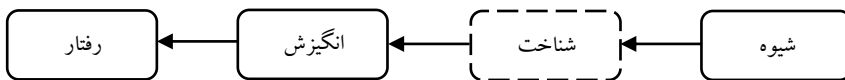
۱. در متون دینی شواهد متعددی وجود داشته که خداوند متعال و اهل بیت (ع) از نقش انگیزش در رفتارهای انسان غافل نبوده و در نتیجه از روش‌هایی به منظور کاهش انگیزه رفتارهای نامطلوب در مخاطبین خویش استفاده نموده‌اند.
۲. شیوه مقایسه یکی از کارآمدترین شیوه‌هاست که ذکر منافع رفتار نامطلوب، در حقیقت، همدلی و درک شرایط مخاطب می‌باشد.
۳. در روش «مقایسه» به دلیل اینکه با بیان مزایا و مضرات رفتار مورد نظر، فلسفه و علت نهی برای مخاطب روشن شده و اقتناع اندیشه صورت گرفته است به همین جهت، ترک آن رفتار برای او سهل‌تر خواهد بود.
۴. دوست داشتن و نیز احترام قائل بودن برای کسی، می‌تواند به عنوان دو عامل بازدارنده در درون انسان نقش آفرینی نموده و در صورت مشاهده نمودن اعمال ناشایست توسط شخص محبوب و مورد احترام، انسان را شرمند نموده و در نتیجه از عمل زشت بازدارد.
۵. به منظور ترک رفتارهای نامطلوب اجتماعی، یکی از مؤثرترین روش‌ها، تصور انجام آن عمل در خود یا نزدیکان انسان است که اگر این یادآوری در آدمی بصورت ملکه در آمده و پیش از هر عملی در حق دیگران، انجام آن عمل را نیز

برای خود تصور کند می‌تواند با ایجاد زجر ذهنی در فرد، از رفتارهای نادرست پیشگیری نماید.

۶. برخلاف بسیاری از موارد تضعیف انگیزه که با ایجاد شناخت در مخاطب بصورت گفتاری، بازداری صورت می‌گیرد در شیوه عبرت دیداری، صرفاً نمایش پیامدهای منفی یک عمل می‌تواند با ایجاد شناخت در مخاطب، او را از عمل مورد نظر بازدارد که البته اثرگذاری مشاهده بیش از بیان عواقب است.

۷. گاهی از اوقات به منظور حذف یک رفتار نامطلوب در مخاطب، می‌توان زمانی را که وی در آینده از انجام آن عمل پشیمان شده را برای او البته با ذکر جزئیات آن به تصویر کشیده تا با ارائه تصویری از آینده حسرت آمیز، او را از انجام آن کار بازداشت.

۸. هریک از شیوه‌های انگیزشی ذکر شده در این پژوهش، «مؤلفه‌های شناختی» ایجاد رفتار محسوب گردیده و فرد استفاده کننده از هریک از این شیوه‌ها، از طریق دانش و شناختی که در فرد بوجود می‌آورد، انگیزه مورد نظر ایجاد و در نهایت سبب ترک رفتار نامطلوب می‌گردد مانند آگاه شدن نسبت به عواقب عمل نامطلوب که اثر کاهش دهنده انگیزه را دارد. شکل زیر، روند ایجاد و یا حذف یک رفتار را نشان می‌دهد:



\*\*\*\*\*

## کتابنامه

تبیین روش‌های تضعیف انگیزه در انجام رفتار نامطلوب از منظر قرآن و احادیث ۱۹۵

۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۸)، التوحید، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین
۳. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳)، من لا یحضره الفقیه، چاپ دوم، قم: اسلامی
۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸)، عیون اخبار الرضا(ع)، چاپ اول، تهران: جهان
۵. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴)، تحف العقول، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین
۶. آخوندی، مصطفی (۱۳۹۱)، عوامل انگیزش در سیره پیامبر(ص)، فصلنامه حصون، شماره ۳۵، صفحات ۵۶ الی ۷۲
۷. اشکوری، محمد بن علی (۱۳۷۳)، تفسیر شریف لاهیجی، چاپ اول، تهران: دفتر نشر داد
۸. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه
۹. بک، جودیت (۱۳۹۱)، شناخت درمانی، مبانی و فراتر از آن، ترجمه: لادن فتی و فرهاد فرید حسینی، چاپ دوم، تهران: دانتزه
۱۰. پسندیده، عباس (۱۳۸۴)، پژوهشی در فرهنگ حیا، چاپ اول، قم: دارالحدیث
۱۱. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰)، غرر الحکم و درر الکلم، چاپ دوم، قم: دارالکتب الاسلامی
۱۲. جعفری، یعقوب (۱۳۷۶)، تفسیر کوثر، چاپ اول، قم: هجرت
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، مفردات الفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت: دارالقلم
۱۴. سبحانی‌نیا، محمد (۱۳۹۲)، رفتار اخلاقی انسان با خود، چاپ دوم، قم: دارالحدیث
۱۵. شجاعی، محمد صادق (۱۳۸۸)، درآمدی بر روانشناسی تنظیم رفتار با رویکرد اسلامی، چاپ اول، قم: دارالحدیث
۱۶. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴)، نهج البلاغه، چاپ اول، قم: هجرت
۱۷. شعیری، محمد بن محمد (بی‌تا)، جامع الأخبار، چاپ اول، نجف: مطبعة حیدریه
۱۸. شولتز و شولتز، دوان پی. و سیدنی ال (۱۳۹۲)، نظریه‌های شخصیت، چاپ بیست و هفت، تهران: ویرایش

۱۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳)، تاریخ روان‌شناسی نوین، چاپ سیزدهم، تهران: دوران
۲۰. شیبانی، احمد بن محمد بن حنبل (۱۴۱۴)، المسند، چاپ دوم، بیروت: دارالفکر
۲۱. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)، چاپ دوم، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی
۲۲. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات
۲۳. عباسی مقدم، مصطفی (۱۳۷۹)، اسوه‌های قرآنی و شیوه‌های تبلیغی آنان، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی
۲۴. فضل‌الله، محمدحسین (۱۴۱۹)، من وحی القرآن، چاپ اول، بیروت: دار الملائک
۲۵. قطب، سید (۱۴۲۵)، فی ظلال القرآن، چاپ سی و پنجم، بیروت: دار الشروق
۲۶. کاویانی، محمد (۱۳۹۲)، رویکردی جامع به مباحث انگیزش از دیدگاه قرآن، دوفصلنامه مطالعات اسلامی و روانشناسی، شماره ۱۳، صفحات ۶۷ الی ۹۳
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیة
۲۸. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳)، الأمالی، چاپ اول، قم: کنگره شیخ مفید
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، چاپ دهم، قم: دارالکتب الإسلامیة
۳۰. مهدوی آزادینی، رمضان (۱۳۹۵)، انسان‌شناسی تکاملی و بن بست اخلاقی آن: با تأکید بر قانون طلایی، نشریه پژوهش‌های اخلاقی، شماره ۲۵، صفحات ۱۹۷ الی ۲۰۹